

**به‌مناسبت اینکه فرمودید: بنی‌عباس، سوّالی که مطرح است، امروزه در فضای مجازی، خیلی تبلیغ می‌کنند که انقلاب امام خمینی <sup>علیه السلام</sup> همان بنی‌عباس آخرالزمان است. آیا صحیح است؟**

● امیرالمؤمنین <sup>علیه السلام</sup> خبر دادند که حکومت بنی‌عباس به دست مغول از بین می‌رود. بنی‌عباس مدت ۵۲۰ سال حکومت کردند و در سال ۵۶۰ هجری، به دست هلاکوخان مغول سقوط کردند؛ اما خط فکری و اعتقادی بنی-عباس در برابر اهل‌بیت <sup>علیهم السلام</sup> همان خط فکری بنی‌امیه بود؛ لذا به تمام دولت‌های مخالف با اهل‌بیت <sup>علیهم السلام</sup> می‌گویند: بنی‌عباس. اهل‌بیت <sup>علیهم السلام</sup> فرموده‌اند: قطعاً زمینه‌سازان ظهور حضرت مهدی <sup>علیه السلام</sup> ایرانیان و خراسانیان و اهل قم و از سرزمین مشرق هستند و این ثابت شده است. بنده در کتاب شرح داده‌ام که مراحل دولت آنها شش مرحله است. همچنین عباسیون مخالف آنها هستند؛ چراکه عباسیون با خط اهل‌بیت <sup>علیهم السلام</sup> مخالفت دارند.

■ **در مصاحبه‌ای گفته بودید که خراسانی، سید نیست و این مسأله در میان مخالفان انقلاب، خیلی بازتاپ داشت. مجدداً توضیح می‌دهید؟**

● بنده در کتاب عرض کردم که در روایات نداریم که رهبر این قوم سید اهل خراسان باشد. خراسانی به‌معنای حاکم ایران است؛ همان‌طور که در یمن و عراق هم حاکم وجود دارد. در خصوص این شخص خراسانی که خدمت امام می‌رسد تا با ایشان بیعت کند، روایات نگفته‌اند که او سید است یا سید نیست؛ اما در روایات آمده است: در سال ظهور، در ایران کشمکش اتفاق می‌افتد؛ چراکه هفت ما ه قبل از ظهور سفیانی ظاهر می‌شود، اهالی سوریه و اردن و فلسطین را می‌گیرد و غریبون به او کمک می‌کنند. در این اوضاع امام ظاهر می‌شوند و به یمانی در یمن اشاره می-کنند. یمانی هم می‌گوید: من زمینه‌ساز دولت مهدوی در یمن هستم. در مدت این هفت‌ماه که امام به یمانی ارجاع می‌کند، در ایران اختلاف پیش می‌آید و عده‌ای می‌گویند: ما به یمانی ارجاع نمی‌کنیم. دو خط در ایران ایجاد می‌شود. خط خراسانی و فرمانده نیروهایش شعیب‌بن صالح که همراه او سادات زیادی هستند. در خراسان و سیستان و اصفهان، سادات برای تأیید این سید خراسانی و فرمانده نیروهایش قیام می‌کنند و خط دیگر هم مخالفان آنها هستند. امام صادق <sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید: در این اختلاف همدیگر را نکشید! اگر من بودم، خودم را تا ظهور امام مهدی <sup>علیه السلام</sup> حفظ می‌کردم.

■ «ابوبصیر از حضرت صادق <sup>علیه السلام</sup> نقل می‌کند که پدرم فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا مَنْ أَذْرَبِجَانْ لِقَوْمِمْ لَهَا شَیْءٌ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَحْلَاسَ بَیْوتِکُمْ وَالْبُدَا مَا الْبُدْنَا، فَإِذَا تَحَرَّكَ مَحَرَّکُنَا فَاسْعُوا إِلَیْهِ وَلَوْ حَبِوَا وَاللَّهِ لَکَاتَى أَنْظَرُ إِلَیْهِ بَیْنَ الرُّکْنِ وَالْمَقَامِ بَیَاعِ النَّاسِ عَلَی کِتَابٍ جَدِیدٍ، عَلَی الْعَرَبِ شَدِیدٍ وَقَالَ: رِیْلَ لَطْعَاءُ الْعَرَبِ مِنْ شِزْ قَدْ اقْتَرَبَ» (غیبت نعمانی: ۱۰۲ و ۱۴۰؛ الملاحم والفتح: ص ۱۶۳).

امام <sup>علیه السلام</sup> فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا مَنْ أَذْرَبِجَانْ، در این مرحله آذربایجان قیام می‌کند. اگر آذربایجان قیام کرد و خراسانی و... را تأیید کرد، اینجاست که ما پیروز می‌شویم. مانند اینکه انتخاباتی برگزار شود و خراسانی و یارانش پیروز نشوند. اینجاست که خراسانی و یارانش خدمت امام می‌رسند. در آن وقت امام به عراق می‌رسد.

■ **اشاره گفتید به قیام آذربایجان؛ اما فقط در نسخه مرحوم مجلسی در بحارالانوار، نسخه (لنا) است و در سایر نسخه‌ها و کتب متقدم، نسخه (لنار) است؛ یعنی آتشی از آذربایجان. کدام صحیح است؟**

● اینجا خطای نساخین وجود دارد؛ چراکه در ادامه می‌گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا مَنْ أَذْرَبِجَانْ»، یعنی اذا قام اهل آذربيجان، شما آماده باشید! اگر قیامی در آذربایجان در یاری امام عصر <sup>علیه السلام</sup>، شکل می‌گیرد، چرا ادامه حدیث می‌فرماید: «فَكُونُوا أَحْلَاسَ بُیُوتِکُمْ؟» از شرکت در آن برحذر باشید! این یعنی خودتان را نکشید؛ یعنی انتخاباتی مهمی در ایران صورت می‌گیرد که در این انتخابات، کشمکشی ایجاد می‌شود که خراسانیان پیروز می‌شوند.

■ **با زلزله ترکیه، مجدداً بحث رجهه الشام در میان منتظران، داغ شده است. آیا شما کماکان معتقد هستید، مقصود از رجهه، زلزله ویران‌گر با بیش از صد هزار کشته در سوریه است؟**
● «رجهه»، ظاهراً جنگ سوریه است. روایاتی داریم که زلزله و خسف بعد از رجهه است. در روایات آمده است: بعد از رجهه، یک یا دو خسف است: خسف در حرستا که نزدیک دمشق است و دیگری خسف در جابیه.

در این‌صورت، زلزله ترکیه و سوریه منطق بر این مسئله نیست. برخی خیال می‌کنند، «رجهه» همان زلزله است؛ اما دو حدیث از امامان معصوم <sup>علیهم السلام</sup> داریم که رجهه را غیر از زلزله دانسته‌اند. بنده اخیراً نگاه کردم و معتقدم، رجهه، تحقق عینی اختلاف رمحان و جنگ است و از نظر قبلی‌ام در کتاب عصر ظهور، عدول کردم.

■ **همان‌طور که می‌دانیم، در جریان مدعی‌مهدویت و یمانی، احمداسماعیل بصری خود را به‌عنوان یمانی معرفی کرد و بسیاری از امتیازات امام <sup>علیه السلام</sup> را برای خودش مصادره کرد. با اینکه در دیدگاه مشهور آمده است که یمانی از یمن است، چگونه اتاق فکر غرب و مستشرقین غربی که این جریان را پرورش دادند، او را به‌جای یمن از عراق معرفی کردند؟**

● این مسئله موافق با تعصبی است که برخی افراد دارند و می‌گویند: یمانی از عراق خواهد بود. این نسبت‌ها به‌دلیل حس ملی‌گرایی است و می‌گویند: یمانی از خودمان است؛ اما در احادیث داریم: یخرج الیمانی من الیمن و نیز در روایات داریم: «یخرج کاسر عینه بصنعاء»، یک نفر قیام می‌کند و چشمان او مانند چشم آهو، شکسته است و او موفق نمی‌شود و یمانی بعد از او می‌آید.

■ **سؤال می‌شود که مردم یمن شیعه دوازده امامی نیستند. آیا ممکن است یمانی در جایی ظهور کند که پیروان او اثنی‌عشری نباشند؟**

خود یمانی اثنی‌عشری است و امام او را راهنمایی می‌کند که چطور کار کند و مسئله را به‌گونه‌ای متحول کند که تمام یمن به سمت امام گرایش پیدا کنند. در روایات آمده است که او از خود یمن قیام می‌کند؛ ولی از احادیث ظاهر می‌شود که او نائب‌الخاص و واجب‌الاطاعة است؛ یعنی او با امام ارتباط دارد و امام به ایشان ارجاع می‌دهد. البته یمانی باید معجزاتی از امام داشته باشد تا باور کنیم.

■ **نقش مصر در تحولات عصر ظهور را چگونه می‌بینید؟**

● در مصر زمینه ولایت و ظهور اهل‌بیت <sup>علیهم السلام</sup> بسیار قوی است. با اینکه وهابیون فعالیت زیادی در آن کشور داشته-اند؛ اما توده مردم مصر به‌صورت غیرمعمولی محبّ اهل‌بیت <sup>علیهم السلام</sup> هستند. در عصر غیبت یک تحول جهانی با ندای آسمانی داریم: یعنی جهان به زبان‌های مختلف می‌شوند که «یا اهل الارض! کفایکم ظلماً جانکم المهدی <sup>علیه السلام</sup>، ای اهل عالم! ظلم کافی است؛ مهدی <sup>علیه السلام</sup> آمد. با او بیعت کنید! وقتی این ندا به زبان‌های مختلف دنیا شنیده می‌شود، اینجا موجی در جهان ایجاد می‌شود. این موج در مصر هم هست؛ لذا روایاتی داریم که وقتی حضرت مهدی <sup>علیه السلام</sup> به عراق می‌رسند و برای جنگ با سفیانی در بیت‌المقدس حرکت می‌کنند، هیأتی از مردم مصر می‌آیند که پرچم سبز دارند و با امام بیعت می‌کنند و یک حکومت موافق امام تشکیل می‌دهند و در خصوص ترکیه هم همین‌طور است که از حضرت می‌خواهند، کسی را بفرستند تا



به سفیانی می‌رساند.

■ **آیا ورود نیروهای نظامی غربی به ایران در ثرات مهدوی ذکر شده است؟**

● من چنین چیزی ندیده‌ام. جنگ استخر، روایت این‌حماد است که مرسله است و اعتباری ندارد و از ائمه <sup>علیهم السلام</sup> هم روایتی نداریم که به خراسانیان حمله‌ای بشود؛ بلکه خراسانیان جهان را تهدید می‌کنند که می‌فرماید: «حملوا سیوفهم علی عواتقهم»؛ این روایت استخر این‌حماد شاذ است؛ حتی اینکه گفته ارتش سفیانی کوفه و نجف را می‌گیرد هم، ثابت نیست و شاید بعد از این‌حماد، به این روایت چیزی اضافه کرده باشند. این‌حماد معاصر امام رضا <sup>علیه السلام</sup> و از مجسمه بود؛ لذا در روایت اشاره‌ای نسبت به حمله خارجی به ایران ندیده‌ام.

■ **آیا احادیث مرگ و قتل بیش از نیمی از مردم جهان، باورپذیر است؟ یا در دسته روایات جعلی، قلمداد می‌شود؟**
حوداتی در سال ظهور و بعد از ظهور حضرت ایجاد خواهد شد. شما حساب کنید که چنانچه جنگی میان چین و هند اتفاق بیفتد، آیا امکان ندارد که چنین جمعیتی از بین بروند؟ البته این جنگ دور از مسلمان بیان شده و ارتباطی با مسلمین و مناطق اسلامی ندارد.

■ **آیا می‌شود کسی بیش از هزار سال عمر کند؟ این مسئله را چطور برای جوانان تبیین کنیم؟**
● شخصی آلمانی گفته است: اگر کسی طبع آراسته‌گردیده‌است... «ماهیت ملکهٔ اجتهاد و چگونگی تحصیل آن»، «قوة قدسیه در اجتهاد»، «اطلاق و تجرّز در اجتهاد»، «مبایذ اجتهاد و مقدمات فقاقت»، «علم اصول و روش شناسی اجتهاد»، «ساختار کلان علم اصول الاستنباط و منهج الاجتهاد»، «اجتهاد مناسب برای تقفهٔ جامع در دین»، «از جمله مباحثی است در اثر بررسی شده است. همچنین، «اجتهاد و نظریه پردازي اسلامی»، «اجتهاد برای دستیابی به مفاهیم، قضایا، انشاءات، روش‌ها، اسالیب و ساز و کارها»، «اجتهاد تمدنی»، «اجتهاد دفاعی و اجتهاد ابتدائی» و... از دیگر مباحث این کتاب می‌باشد. علاقه‌مندان برای تهیه این اثر می‌توانند فروشگاه بوستان کتاب در قم و یا شعبات آن مراجعه نمایند.

«نواندیشی دینی و نوآوری فقهی»، «عناصر مشترک در

استنباط شریعت»، «فلسفه فقه الحکومه»، «ولایت فقیه؛ چیستی، گستره، دیرینه»، «فقیه در قامت حاکم جامعه اسلامی»، «اصول نظام‌سازی اسلامی»، «برنامه درسی کوتاه‌مدت، کاربردی و کارآمد»، «شیوه کشف پاسخ‌های قرآن به پرسش‌های معاصر انسان» «روابط جنسی و ازدواج در سبک زندگی اسلامی و غیراسلامی»، «دورنمایی از مکتب عدالت‌ا و... برخی دیگر از تألیفات این استاد حوزه علمیه قم است.

● **مصابیح‌العلماء**

کتاب «مصابیح‌العلماء»، جدیدترین منشورات مرکز



روش زندگی و غذایی امیرالمؤمنین <sup>علیه السلام</sup> را انتخاب کند، می‌تواند بیش از هزار سال عمر کند. این تحقیقات علمی است؛ البته باید بدانیم که خداوند می‌تواند راحت‌تر از تملید یک‌گلدنارمه، عمر شخصی را تمدید کند. در خصوص حضرت خضر <sup>علیه السلام</sup> چه می‌گوییم که به‌اتفاق همه مسلمین، ایشان پسرخاله ذوالقرنین هستند و از زمان ایشان زنده هستند. جناب ذوالقرنین هم قبل از حضرت نوح <sup>علیه السلام</sup> زندگی کرده‌اند؛ یعنی الان جناب خضر سه هزار سال دارند؛ درحالی‌که امام زمان <sup>علیه السلام</sup> حدود ۱۲۰۰ سال عمر دارند.

■ **وهابیون تلاش دارند، اندک پیوند میان مسلمانان و مسیحیان را که به‌واسطه نفی رومی بودن مادر امام زمان <sup>علیه السلام</sup> وجود دارد، از بین ببرند و از برخی احادیث که می‌گویند: مادر امام زمان <sup>علیه السلام</sup> کنیزی از کشور دیگری بوده یا در میان خاندان اهل‌بیت <sup>علیهم السلام</sup> زندگی می‌کرده است، نظرتان را بفرمائید؟**

● روایات صحیح‌السند که قابل انکار نیست. این‌طور است که فضل‌بن‌شاذان نقل می‌کند، از شخصی که موثق است، از امام عسکری <sup>علیه السلام</sup> که سؤال کرده است: «أ لَکَ وَلَدٌ قَالَ: إِبْنُ وَائِلَهِ سَبْکُونُ لَیْ وَلَدٌ یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا فَأَمَّا الْآنَ فَلَا ثَمَّ تَعْمَلُ» (بحارالانوار، ج ۵۰، ص: ۲۷۵)؛ الآن فرزندی ندارم من. من؟ قال: من ابنتی ابن‌قیصر، ابن‌قیصر بشوعا و ابنتی ابن‌قیصر یعنی ملیکه که مادر

امام زمان <sup>علیه السلام</sup> هستند و روایات صحیح‌السندی داریم و حتی روایاتی از دفن ایشان هست که بعد از تولد امام زمان <sup>علیه السلام</sup> بود که امام حسن عسکری <sup>علیه السلام</sup> مسائل آینده را بیان کردند و ایشان عرض کردند: یابن رسول‌الله! من طاقت این مسائل را ندارم و دعا کنید که در زمان حیات شما از دنیا بروم و شما من را غسل بدهید و امام هم، همین کار را کردند و ایشان را در کنار امام هادی <sup>علیه السلام</sup> دفن کردند و ایشان خواسته بودند که بر سنگ مزارشان بنویسند: «هذا قبر اقم‌محمد».

■ **برخی احتمال می‌دهند که چون امام‌زمان <sup>علیه السلام</sup> در سرزمین حجاز یآوری ندارند، بنابراین از کوفه و نجف قیام می‌کنند، آیا این سخن صحیح است؟**
● اجماع مسلمین در برابر این احتمالات بسیار محکم است. شیعه و سنی معتقدند، قیام حضرت از مکه و از کنار کعبه است و ایشان از مکه به مدینه حرکت می‌کنند و بعد دمشق و بعد قدس است. این روایات بسیار محکم است و مطالبی که به غیر از این گفته می‌شود، شذوذات است که اعتباری ندارند.

■ **در الغیبه نعمانی گفته شده است: ظهور رخ نمی‌دهد؛ جز اینکه دو برائت‌نامه از کوفه و بصره در برائت از امام علی <sup>علیه السلام</sup> صادر می‌شود. با اینکه بافت عراق، بافت شیعی است، چگونه بپذیریم؟**

● وقتی امام زمان <sup>علیه السلام</sup> وارد کوفه می‌شوند، در کوفه سه پرچم وجود دارد؛ درحالی‌که امروز در کوفه تنها یک پرچم است و آن هم، پرچم عراق است. مردم بصره در زمان معاویه، عثمانی بودند و چندین برائت‌نامه نسبت به امیرالمؤمنین <sup>علیه السلام</sup> نوشته‌اند.

بتریه، توکی دارند و می‌گویند: ما هم محبّ اهل‌بیت <sup>علیهم السلام</sup> و هم محبّ صحابه هستیم؛ اما برائت از امیرالمؤمنین <sup>علیه السلام</sup>، خیلی جدی است و اگر کسی چنین برائتی نداشته باشد، او را می‌کشند. در تاریخ آمده است که نامه‌های بسیاری از معاویه به والی بصره نوشته شد که از افراد نسبت به امیرالمؤمنین <sup>علیه السلام</sup> برائت‌نامه بگیرد و در غیر این‌صورت او را بکشد. بنابراین، تعجبی ندارد.

■ **در زمره حوادث عراق، از شیبصانی یاد شده است. می‌گویند همان صدام است، اما برخی بر شخصیت شیعی در عراق که فتنه به‌پا خواهد کرد، تحلیل می‌کنند. نظر شما چیست؟**

● این تحلیل دوستان عراق است. روایت مرسل است. شیبصانی، به‌معنای شیطانی است. روایت می‌گوید: «وأنی لکم بالسفیانی حتی یخرج قبله الشیبصانی یخرج من أرض کوفان ینبع کما ینبع الماء، فیقتل و فدمکم فوقعوا بعد ذلک السفیانی وخرج القائم علیه السلام»؛ (کتاب‌الغیبه: ۳۰۲ ح ۸) او قبل از سفیانی است و گفته می‌شود که از صفات او، «فیقتل ودمکم»؛ یعنی خوبان شما را می‌کشد و به‌غیر از صدام، شخص دیگری را به این‌صورت نداریم و منطبق بر صدام می‌شود.

تهیه و تنظیم: حمید کرمی

اسناد نجف اشرف (مرکز النجف الاشرف للتألیف والتوثیق والنشر) به‌قلم حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمد انبوهی روانه بازار نشر گردید.

کتاب حاضر، مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی و چگونگی مواجهه علمای بزرگ اسلام با آن پدیده‌ها و بیابگیر سیره عملی و مواضع فهوماته عالمان بصیر و پارسا در قالب حکایات و داستان‌های موثق می‌باشد.

مؤلف کتاب در مقدمه می‌نویسد:

«حکایات نقل‌شده با مضامین تربیتی و اخلاقی از جمله مواردی است که به‌ندرت و یا کمتر در جایی نقل گردیده است. بنده بعد از اطمینان از توثیق و تأیید، این مجموعه را در کتابی جامع و ملخص به‌نام (مصابیح‌العلماء) تدوین نمودم تا این رهنمودهای بصیرت‌افزا و چراغ فروزان راه هدایت و سعادت، مسیر رشد و تعالی طالبان اخلاق و معرفت راهموار نماید. امیدواریم که خطبای گرامی، مبلغان دین و معارف اسلامی و عموم الناس، سیره و منش سلف صالح و قله‌های تهذیب را که حقاً در میدان علم و عمل و در امتحان سخت جهاد اکبر، سرافراز بوده‌اند، به‌عنوان الگو و اسوه‌های سعادت‌بخش معرفی نمایند.»

کتاب مصابیح‌العلماء، مجموعه حکایات آموزنده اخلاقی و تربیتی از سیره سلف صالح و قله‌های علم و عمل، واقعیتی موثق، غیر قابل انکار و به‌دور از هرگونه غلو و افسانه‌سرایی است؛ اما به‌خاطر غلفت حافظان میراث و غبار غربت روزگار، از قلم افتاده و یا مکتوم مانده است.

## معرفی کتاب

- نیمه اول اجتهاد (روش شناخت موضوعات)**

کتاب «نیمه اول اجتهاد (روش شناخت موضوعات)» نوشته حجت‌الله بیات / گروه: پژوهش‌های بنیادین مؤسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی/ از سوی انتشارات مؤسسه موضوع‌شناسی منتشر و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

ملازمه بین حکم، موضوع و رابطه وثیق بین آنها نزد فقها از بدیهیات است و مطالب اشاره‌وار فراوان و البته گاه پراکنده‌ای در مباحث مختلف اصولی و فقهی درباره مناسبات موضوع و حکم وجود دارد؛ اما به‌جهت علمی و تاریخی از طرف فقهای اسلام به آن میزان که درباره استنباط احکام مباحث مبسوط مطرح شده است، در زمینه شناخت موضوعات احکام، چندان کار گسترده، عمیق و مستقلی صورت نگرفته است.

از آنجا که موضوعات و احکام شرعی با هم رابطه‌ای ناگسستگی دارند، ناآشنایی با موضوعات احکام فقهی و موضوع‌شناسی می‌تواند، استنباط احکام و نتایج آن را دچار اختلال کند. درباره شناخت موضوعات، دست‌کم می‌بایست در سه عرصه کار علمی صورت پذیرد:

- شناخت مقوله موضوع و مباحث پیرامونی آن؛

- روش شناخت موضوعات؛

- بررسی موضوعات خاص و مرتبط با «فقه مضاف» بر اساس روش‌های مناسب در هر کدام از رشته‌های علمی. تفاوت‌های اساسی که میان موضوعات در علوم مختلف